

1. Samuel 8

Persian Standard Bible of 1895 (Old Persian)



- 1 و واقع شد که چون سموئیل پیر شد، پسران خود را بر اسرائیل داوران ساخت.
- 2 و نام پسر نخستزاده اش یوئیل بود و نام دومینش آبیا؛ و در بئر شمع داور بودند.
- 3 اما پسرانش به راه او رفتار نمینمودند بلکه در پی سود رفته، رشوه میگرفتند و داوری را منحرف می ساختند.
- 4 پس جمیع مشایخ اسرائیل جمع شده، نزد سموئیل به رame آمدند.
- 5 و او را گفتند: «اینک تو پیر شده ای و پسرانت به راه تو رفتار نمی نمایند. پس الان برای ما پادشاهی نصب نما تا مثل سایر امتهای بر ما حکومت نماید.»
- 6 و این امر در نظر سموئیل ناپسند آمد، چونکه گفتند: «ما را پادشاهی بده تا بر ما حکومت نماید.» و سموئیل نزد خداوند دعا کرد.
- 7 و خداوند به سموئیل گفت: «آواز قوم را در هر چه به تو گفتند بشنو، زیرا که تو را ترك نکردند بلکه مرا ترك کردند تا بر ایشان پادشاهی ننمایم.
- 8 بر حسب هم اعمالی که از روزی که ایشان را از مصر بیرون آوردم، بجا آوردند و مرا ترك نموده، خدایان غیر را عبادت نمودند، پس با تو نیز همچنین رفتار می نمایند.
- 9 پس الان آواز ایشان را بشنو لکن بر ایشان به تأکید شهادت بده، و ایشان را از رسم پادشاهی که بر ایشان حکومت خواهد نمود، مطلع ساز.»
- 10 و سموئیل تمامی سخنان خداوند را به قوم که از او پادشاه خواسته بودند، بیان کرد.
- 11 و گفت: «رسم پادشاهی که بر شما حکم خواهد نمود این است که پسران شما را گرفته، ایشان را بر ارايه ها و سواران خود خواهد گماشت و پیش ارايه هایش خواهند دوید.
- 12 و ایشان را سرداران هزاره و سرداران پنجاهه برای خود خواهد ساخت، و بعضی را برای شیار کردن زمینش و درویدن محصولش و ساختن آلات جنگش و اسباب ارايه هایش تعیین خواهد نمود.
- 13 و دختران شما را برای عطرکشی و طبخی و خبازی خواهد گرفت.
- 14 و بهترین مزرعه ها و تاکستانها و باغات زيتون شما را گرفته، به خادمان خود خواهد داد.
- 15 و عشر زراعات و تاکستانهای شما را گرفته، به خواجه سرایان و خادمان خود خواهد داد.
- 16 و غلامان و کنیزان و نیکوترین جوانان شما را و الاغهای شما را گرفته، برای کار خود خواهد گماشت.
- 17 و عشر گله های شما را خواهد گرفت و شما غلام او خواهید بود.
- 18 و در آن روز از دست پادشاه خود که برای خویشتن برگزیده اید فریاد خواهید کرد و خداوند در آن روز شما را اجابت نخواهد

19 اما قوم از شنیدن قول سموئیل ابا نمودند و گفتند: «نی بلکه می باید بر ما پادشاهی باشد.

20 تا ما نیز مثل سایر امّت‌ها باشیم و پادشاه ما بر ما دآوری کند، و پیش روی ما بیرون رفته، در جنگ‌های ما برای ما بجنگد.»

21 و سموئیل تمامی سخنان قوم را شنیده، آنها را به سمع خداوند رسانید.

22 و خداوند به سموئیل گفت: «آواز ایشان را بشنو و پادشاهی بر ایشان نصب نما.» پس سموئیل به مردمان اسرائیل گفت: «شما هرکس به شهر خود بروید.»